# احتمال مدیریت امتثال در روایت محمد بن مسلم

**استاد:** شرائطی باشند که ببینند. من میخواستم فرمایش ایشان را توضیح بدهم تا یک کلمه عرض کنم. این در صورتی است که بگوییم لبهی بیان حضرت در «رآه واحد لرآه الف» این باشد که بهخوبی میخ یقین را بکوبیم. یعنی باید یقین باشد. کسی دچار توهم نشود. ما در اینجا بهدنبال یقین هستیم. اگر به این صورت باشد، فرمایش شما برای آن واحد هم میشود. اما اگر آن شبیه مثالی باشد که زدم، یعنی امام علیهالسلام میفرمایند اگر شارع بهدنبال واقعیت است، خب احتیاط را که فرموده. بلکه در اینجا بهدنبال تعظیم شعائر صوم و میقات هستیم، دنبال نظم مجتمع مسلمین هستیم. یکی امروز نگویی پنجم است و یکی بگویی ششم است. یعنی نگاه روایت به مسأله تثبیت یقین نیست که بگوییم حتماً باید یقینی باشد که هزار نفر ببینند. نه، ما میخواهیم طوری باشد که هزار نفر ببینند؛ یعنی نظم جامعه، مختل نشود. اختلال نظام پدید نیاید. میقاتیت هلال، تعظیم شعائر صوم، سهولت امر بر همه که با شک روزه نگیرند، همه اینها دخالت میکند تا بگوییم با این شرائط روزه بگیرید. اگر این باشد باز فرمایش شما نمیآید.

> 51:59

**شاگرد:** عرض من در یقین نبود. این بود که طریق حسی باشد.

**استاد:** خب یک نفر هم که طریق حسی است.

**شاگرد:** یعنی براساس رأی و ظنی نباشد، طوری باشد که همه ببینند.

**استاد:** خب یک نفر هم دیده. ظنی نکرده. درست است که حضرت فرمودند «لیس بالرای و لا بالظنی»، ولی به یک نفر نگفتند که او ظنی کرده. نسبت به رؤیت او برای ما ظنی میشود. چون برای ما ثابت نشده است. یک نفر است.

**شاگرد:** شاید در این فضا باشد که چند نفر بیرون شهر به استهلال رفتهاند و یک نفر در شهر میبینند... .

**استاد:** جلوتر راجع به این سه عنصر مفصل صحبت کردم. در اینکه میتوانیم برای بسیاری از روایات این محمل را قرار بدهیم.

**شاگرد:** در استظهار از روایت که «رایتم» یا «رایت» نقل شده، باید بگوییم اصل با نقل به لفظ است؟

**استاد:** اگر ظاهر لفظ را نگاه کنید، همین حرفها است. ولی بعداً عرض می‌کنم که به گمان من «رایت» و «رایتم»، هر دو در مقصود اصلی، شریک هستند. اینطور نیست که بگوییم «رایت» یعنی تو، و وقتی می‌گویند «رایتم» یعنی همه. نه، مقصود اصلی این است که باید در امر صوم، استصحاب قبلی قطع شود و روی ضابطه خودش در بلاد مسلمین منظم محقق شود. بنابراین مقصود از القاء کلام در «رایت» و «رایتم» یک چیز است.

**شاگرد:** اگر نقل به معنا را جایز می‌دانستند، در این روایت باید چه کار کنیم؟

**استاد:** اتفاقا در روایت دوم اینکه خودش می‌گوید «رایتم»،«فصوموا»، «و لیس الرؤیة»، شاهد این است که در اینجا نقل به معنا نکرده است. مثلاً حضرت فرموده باشند «اذا رایت الهلال». اصلاً از ریخت عبارت معلوم می‌شود که حضرت فرموده‌اند «رایتم». چون بعد از آن این تفصیلات را می‌دهند.

**شاگرد:** اگر «رایت» را به «رایتم» تبدیل کرده، «صم» را هم تبدیل به «صوموا» کرده است. نقل به‌معنا جایز است.

**استاد**: نه، با ذیلش مناسبت ندارد. شما می‌فرمایید امام فرمودند «اذا رایت الهلال فصم و اذا رایته فافطر و لیس الرؤیة ان یقوم عشرة». می‌بینید که با «لیس ان یقوم» مناسبت ندارد. چرا؟ چون حضرت که «رایتم» را فرمودند می‌خواهند رؤیت جمعی را بگویند. کسی که می‌خواهد با آن توضیحات، بعداً رؤیت جمعی را بیاورد، ابتدا به ساکن نمی‌گوید «رایت». در آن جا ذهن سراغ انفراد می‌رود.

**والحمد لله رب العالمین**

---

بازبینی #1
ایجاد شده 17 مه 2026 12:51:34 توسط ... .
به روزرسانی شده 17 مه 2026 12:52:38 توسط ... .